

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال هشتم شماره بیست و هشتم، پاییز ۱۳۹۵ (صص ۱۰۶-۹۱)

ضرورت تصحیح دوباره دیوان امیر خسرو دهلوی

غلام رضا مست علی پارسا*

حمیدرضا حافظیان**

چکیده

امیرخسرو دهلوی، طوطی زبان آور هند، از شاعران بنام پارسی‌گوی (۶۵۱ هند - ۷۲۵ دهلوی) است، شکی نیست که بزرگ‌ترین شاعر شبه قاره هند امیرخسرو است که برخی وی را سعدی هندوستان نامیده‌اند. او در نظم و نثر پارسی توانایی کامل داشت و از استادان این فن به‌شمار می‌رود. دیوان غزلیات امیرخسرو بارها در شبه قاره و ایران به چاپ رسیده است. چاپ‌های تهران م. درویش و سعید نفیسی مورد عنایت اقبال صلاح‌الدین در تصحیح بعدی از دیوان غزلیات امیرخسرو در لاهور قرار گرفت که به سبب نایافت بودن آن در ایران، محمد روشن همان کار اقبال صلاح‌الدین را با ویراست جزئی به چاپ رسانید. این تصحیح که امروزه به عنوان منبع پژوهش پژوهشگران مورد استفاده است، خطاهایی در کتابت و اشکالات اساسی کوچک و بزرگی دارد که پس از بررسی ژرف در دیوان و تطبیق با نسخه‌های بسیار معتبر، بازنگری و تصحیح دوباره آن ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش نمونه‌هایی از این‌گونه اشکالات همراه با ابیات و اشعار نویافته نمایانده شده است.

کلید واژه‌ها: نسخه خطی، اشعار نو یافته، امیرخسرو دهلوی، تصحیح

۱- مقدمه

در سراسر دوره‌های تاریخی چه پیش از اسلام و چه پس از آن ایرانیان و هندوان پیوند بسیار نزدیکی با یک‌دیگر داشته‌اند، تاریخ ادبیات و متون نظم و نثر پارسی، میان آنان مشترک است و پس از ایران بیشترین نویسندگان و سرایندگان زبان دری در شبه قاره هند زیسته‌اند و تا روزی که همه

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول): mastaliparsa@atu.ac.ir*Email:

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی **Email: Gifan_khorasan@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۹

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۶

هندوستان مستعمره انگلستان شد تمدن ایرانی چنان در هند رواج داشته که زبان پارسی پس از ایران در این شبه قاره بیش از هر زبان دیگری رایج بوده و زبان درباری همه خاندان شاهی هندوستان شده است. اشتیاق پژوهشگران شبه قاره هند به زبان پارسی سبب شد تا برخی از کتاب‌ها و نوشته‌های ادبیات فارسی که در آن سرزمین آفریده شده بودند، به دست این محققان تصحیح، چاپ و معرفی شود. ضمن ارج نهادن کوشش وافر آن استادان شبه قاره، این اقدام مثبت آنان از مشکل به دور نماند. اشکال نخست این که بسیاری از آثار چاپ شده و انتشار یافته آن سرزمین‌ها در ایران کم‌یاب و در مواردی نایاب شد. اشکال دوم بیشتر این است که استادان هندی اهل زبان نبوده و بر رموز و دقیق زبان فارسی مسلط نیستند و در نتیجه در متن علاوه بر اشتباه کاتبان و ناسخان اشکالات دیگری پیدا می‌شود.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

آنچه امروز در بازار چاپ و نشر موجود و مشهود است این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که آیا همه چاپ‌های موجود - سعید نفیسی، اقبال صلاح‌الدین، محمد روشن به احتمال قریب به یقین در غزل همین چاپ و تصحیح م. درویش را پایه و ملاک اصلی قرار داده‌اند؟ آیا جدای از این که در تعداد و چینش ابیات هر غزل تقریباً برابر هستند، همان نادرست‌های چاپی را عیناً در کار خود آورده‌اند؟ آیا با بررسی‌های انجام شده در دیوان‌های چاپی موجود بازنگری دوباره دیوان ضروری است یا خیر؟

۱-۲- اهداف تحقیق

با نگاهی ژرف و گذاشتن زمان بسیار و مقایسه نسخه‌های خطی معتبر و جستجو در منابع کتابخانه‌ای با دیوان‌های نشر یافته به ویژه چاپ محمد روشن - اقبال صلاح‌الدین - ضرورت بازبینی دوباره دیوان احساس می‌شود گرچه ایشان در مقدمه کتاب آورده‌اند:

«در باز جُستِ غزلیات امیرخسرو دهلوی از نگرستن به تازه‌ترین تحقیق‌ها در منابع باز نایستادم. آخرین تحقیقات درباره‌ی «ابیات ناشناخته‌ی امیرخسرو دهلوی» گفتاری است از آقای دکتر امیرحسین عابدی دانشمند هندوستانی که در مجموعه «گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی» گردآوری آقای دکتر سید حسن عباس ... در تهران به چاپ رسیده است. پانزده غزل از نو یافته‌های غزلیات امیرخسرو نگاشته استاد دکتر عابدی را در پایان این کلیات آورده‌ام. غزلی هم بی مطلع از

امیرخسرو را آورده‌اند که من متن کامل آن غزل را با مطلع: « اگر تو سرنوشت من بدانی دگر افسانه مجنون نخوانی» در کلیات غزلیات چاپ خود باز یافتیم». (امیرخسرو دهلوی، ۱۳۸۰: ۲۸)

هر چند محمد روشن در این یادداشت به صراحت از مقابله و مقایسه دیوان با سایر نسخ خطی معتبر سخنی نگفته‌اند، ای کاش ایشان در کنار نگرستن به تازه‌ترین تحقیق‌ها در منابع و آوردن پانزده غزل از نویافته‌های غزلیات امیرخسرو نگاشته عابدی، چند نسخه خطی را با دیوان چاپ اقبال صلاح‌الدین مقابله می‌کردند و آن زمان خود به اشکالات موجود، ناهمخوانی واژگان و عبارات، جابه‌جایی مصراع‌ها، حذف بیت‌هایی مهم از بعضی غزل‌ها، اضافه بیت‌های موجود در برخی غزل‌ها، نادرست‌های املائی و ... در دیوان چاپ لاهور پی‌می‌بردند و پیش از دست یازیدن به چنین اقدام اساسی ایرادها را برطرف می‌کردند. ایشان حتماً بارها و بارها دیوان امیرخسرو و چاپ م. درویش را ملاحظه کرده‌اند و می‌دانند که نسخه‌ای که استفاده کرده‌اند مربوط به سال ۹۶۳ هجری است در حالی که ما نسخه‌های معتبرتر پیش از آن هم داشته‌ایم. گرچه ما سرچشمه بسیاری از نادرستی‌ها و تصحیفات دیوان خسرو دهلوی را در همان دیوان چاپ تهران به تصحیح م. درویش می‌دانیم و بر این باوریم که اساس کار ایشان یک نسخه مغلوط و آشفته بوده است و از سایر نسخ بهره‌ای نبرده‌اند همان‌گونه که خود در پیش‌گفتار دیوان تصحیح شده خویش چنین نگاشته‌اند:

«خوشبختانه پس از جستجوی زیاد و هم چنین راهنمایی‌ها و تشویق‌های اهل ذوق و ادب، علاوه بر نسخ چاپی نسخه خطی بسیار گران‌بهایی که در حدود سال ۹۶۳ هـ به خط زیبای نستعلیق کاتبی به نام یوسف بن یعقوب بیاضی نوشته شده بود، به دست آمد. این نسخه نفیس ... طبق نظریه اساتید فن از بهترین و قدیمی‌ترین نسخه‌های دیوان امیرخسرو دهلوی است و با وجودی که نسخه‌های دیگری نیز موجود بود، هیچ کدام مورد اطمینان قرار نگرفت، چه نسخه مزبور از هر جهت کامل و بی‌نقص می‌نمود و انتخاب و آماده کردن آن برای چاپ، جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذاشت بنابراین با صلاح‌دید و مشورت استادان و صاحب نظران قرار بر این شد که چاپ کتاب بدون کم و کاست از روی متن کامل نسخه مزبور انجام شود و هر جا به اشکال و ایرادی برخورد نمود، از روی نسخه‌های دیگر تصحیح گردد.» (امیرخسرو دهلوی، ۱۳۴۳، پیش‌گفتار: ۳).

۱-۳- پیشینه تحقیق

یکی از نمونه کارهای انجام شده که امروزه در دسترس محققین می‌باشد دیوان امیر خسرو

دهلوی است. به جرئت می‌توان گفت در بازمینی کتاب‌های موجود از چاپ تهران، م. درویش با مقدمه سعید نفیسی، کلیات اشعار با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، چاپ چهار جلدی دیوان به جمع و تصحیح اقبال صلاح‌الدین و تجدید نظر سید وزیرالحسن عابدی نشر یافته در لاهور و چاپ همان دیوان با مقدمه و اشراف محمد روشن متوجه می‌شویم که چندان تفاوتی بین همه آن‌ها دیده نمی‌شود، چاپ سعید نفیسی عین چاپ م. درویش است بدون تغییر حتی در یک بیت و یک واژه جز در حروف چینی. چاپ محمد روشن عین کار اقبال صلاح‌الدین است جز در حروف چینی، حذف نسخه بدل‌ها و مقدمه مصححان و افزودن پانزده غزل نو یافته. تفاوت نسخه محمد روشن با م. درویش در آن است که نسخه م. درویش و سعید نفیسی چند قصیده، ترکیبات و رباعیات دارد که نسخه روشن ندارد و در عوض نسخه روشن چند غزل اضافه دارد که روی هم رفته در ۱۷۲۷ غزل مشترک تفاوتی جز چند مورد جزئی به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد همه دیوان‌های موجود در چاپ به نسخه تهران م. درویش نظر داشته‌اند.

۱-۴- روش تحقیق

در این پژوهش یک نسخه خطی بسیار با ارزش و نفیس از دیوان امیرخسرو دهلوی را اساس کار قرار داده و با بهره‌گیری از چند نسخه خطی ارزشمند، به دیوان‌های چاپ شده به ویژه چاپ پایانی محمد روشن که براساس تصحیح اقبال صلاح‌الدین و عابدی فراهم شده است، نظر افکنده و به عنوان یک نسخه بدل از آن بهره برده و به سبب کثرت در ضبط اشتباه در دیوان مزبور تنها به آوردن نمونه‌هایی اکتفا شد، بدین صورت که ابتدا اشتباهی را که در دیوان آمده ذکر کرده و پس از آن بر اساس نسخه‌های دست‌نویس، درست آن آورده شده است.

۲- روش ارجاع به اشعار خسرو دهلوی

۱. کلیات به تصحیح سعید نفیسی (ن)
۲. چاپ محمد روشن (امیر خسرو)
۳. نسخه آستان قدس رضوی ۱ به تاریخ تحریر ۸۹۷ هجری (رض)
۴. نسخه آستان قدس رضوی ۲ به تاریخ تحریر ۹۰۲ هجری (آس)
۵. نسخه آستان قدس رضوی ۳ به تاریخ قرن ۹ هجری (ق)

۱) نادرست‌های چاپی

یکی از موارد نیاز به بازنگری در دیوان امیرخسرو که بسیار مهم است اصلاح نادرست‌های چاپی

است که کم نیست. همان‌طور که ذکر شد آنچه که به صورت غلط‌های مطبعی در دیوان سعید نفیسی، دیوان اقبال صلاح‌الدین و دیوان به مقدمه و اشراف محمد روشن دیده می‌شود دقیقاً همان خطاها در چاپ تهران نیز دیده می‌شود که در هیچ یک، این نادرستی‌ها اصلاح نشده و همه همانند هم با نام تصحیح و مقابله چاپ جدید شده است.

الف) جابه‌جایی واج

یعنی در زمان حروفچینی، حروف جابه‌جا نوشته شده است. مانند:

برو، ای باد و پیشِ دیگران ده جلوه بُستان را	مرا بگذار تا می‌بینم <u>آن سور</u> خرامان را
برو، ای باد و پیشِ دیگران ده جلوه بُستان را	مرا بگذار تا می‌بینم <u>آن سرو</u> خرامان را

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۰)، (ر ض: ۱۲۸)

ب) دگرگونی معنی واژه با تغییر حروف

تُرک سفید روی و سیه چشم و لاله رنگ	مِثلث نِزادِ مادرِ ایامِ شوخ و شنگ
تُرک سفید روی و سیه چشم و لاله رنگ	مِثلش نِزادهِ مادرِ ایامِ شوخ و شنگ

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۵۵۵)، (ر ض: ۴۲۳)

سوزم از دیدنِ لبِت بنشست	کِز نظرِ می‌کشِم حلاوت قند
سوزم از دیدنِ دو لبِ بنشست	کِز نظرِ می‌چشم حلاوت قند

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۴۸۰)، (ر ض: ۲۹۸)

من بدان ندرم که گر میرم به سویم بنگری	بین که چون من چند کس مُرده‌ست در بازار عشق
---------------------------------------	--

من بدان نرزم که گر میرم به سویم بنگری	بین که چون من چند کس مُرده‌ست در بازار عشق
---------------------------------------	--

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۵۵۳)، (ر ض: ۴۲۲)

ج) کاربرد واژگان با حفظ تلفظ و نوشتار آوایی

در دیوان امیرخسرو بیت‌هایی یافت می‌شود که به نظر می‌رسد خود شاعر آن واژگان را با همان شکل به کار برده است و کاتبان در آن دخل و تصرفی نداشته‌اند. زیرا در جست‌وجوی نسخ گوناگون خطی همه کتابت واژه یکسان می‌باشند. برای نمونه واژه خسته که در همه نسخه‌ها آمده

است. خسته با خرما تقابل دارد. بنابراین خسته، به معنی هسته آمده است. توضیح اینکه در بیشتر زبان‌ها واک هـ H به واک خ X قلب می‌شود و این موارد بیانگر گونه گویشی است.

در دلت هیچ جا نمی‌گیریم گر چه ما هسته‌ایم و خرما تو

رض: خسته‌ایم (دیوان: ۱۶۸۵)

مجروح لب‌ت بسی است، کس دید خرما یکی و هزار هسته

رض: خسته (دیوان: ۱۷۱۴)

«خسته: استخوان خرما، شفتالو و زردآلو و امثال آن . هسته. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل خسته)»

نمونه دیگر متون ادب فارسی: کلیله و دمنه: ... اگر در ترشیج او سعی رود، هم‌چنان باشد که ...

خسته خرما را در زر گیرند. (نصرالله منشی، ۱۳۷۱: ۳۶۵)

ناصر خسرو: آن جا خرمایی بود ... هر یکی ده درم، خسته که در میانش بود، دانگ و نیم بیش نبود. (فرهنگ سخن، انوری، ۱۳۸۱: ذیل خسته). یا نمونه دیگر از امیر خسرو که خسته را در مفهوم هسته به کار برده است.

لب رطب‌سازی و آن‌گه خسته از دندان کنی خسته از دندان من کن، گر رطب می‌خوانیش

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۱۵۸) (رض: ۴۰۳، آس ۴۳۰)

باید یادآور شد که امیر خسرو، خسته را در معنای آزرده و زخمی در دیوان خود به کار برده است.

گر به کمند زلف تو من نه چنین اسیرمی کی به کمند ابرویت خسته زخم تیرمی

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۹۳۷)

۲) جابه‌جایی و کتابت نادرست برخی مصراع‌ها

در دیوان امیر خسرو شاهد به‌هم‌ریختگی برخی مصراع‌ها، جابه‌جا و یا حذف برخی مصراع‌ها و آوردن مصراع‌ی دیگر به جای آن هستیم. با اندکی تأمل و بررسی دیگر نُسَخ معتبر این به‌هم‌ریختگی و آمیزش نادرست مصراع‌ها مشهود است. این خطا در دیوان امیر خسرو دهلوی که بیشتر ناشی از خطای کاتبان در گذشته و شاید حروفچین‌های معاصر اتفاق افتاده به چند شکل آشکار است:

در غزلی زیبا دیده می‌شود که یک مصراع حذف شده و مصراع دوم بیت دیگر به جای آن آمده است، کاتب در برخی موارد مصراع نخست بیت بعدی را حذف کرده است چرا که با ادغام دو بیت

با یکدیگر، یک بیت با مفهوم و معنای دیگر ساخته شده است.

هرکه جانیش هست و جانان نیست
او ندارد ز زندگی اثری

آهنی می شود ربوده سنگ
نه کم است از جماد جانوری

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۹۵۹)

هرکه جانیش هست و جانان نیست
او ندارد ز زندگی اثری

آهنی می شود ربوده سنگ
نه کم است از جماد جانوری

(رض: ۶۵۰)

یا در غزلی با حذف دو مصراع جابه‌جایی نادرستی روی داده است.

بسیار بهترند ز پیران زرپرست
حیله‌گران که دست به ورد و دعا زنند

وقتی به زرق، اگر به دعا خورده می دهیم
شاید، اگر زخاک سیاهش دوا زنند

سحر و فسونت از پی تسخیر میر و شاه
حقا واجب است که بر روی ما زنند

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۸۴۴، ۳۹۴)

باید چنین باشد:

بسیار بهترند ز پیران زرپرست
آن کودکان که راه دل پارسا زنند

سحر و فسونت از پی تسخیر میر و شاه
شاید اگر زخاک سیاهش دوا زنند

وقتی به زرق، اگر به گدا خرده‌ای دهیم
حقا که واجب است که بر روی ما زنند

(رض: ۲۷۰)

یا جابه‌جایی مصراع‌ها به صورت ضربدری: بدین گونه که مصراع اول بیت نخست با مصراع دوم بیت بعدی و مصراع اول بیت دوم با مصراع دوم بیت نخست جابه‌جا شده و ترکیبی دگرگونه ساخته‌اند. نمونه اول:

دل به صد حیله می‌گریخت ز عشق
دل سخن از درون چّه می‌گفت

غلغلی می‌شنیدم از دهنش
دیده از خویش صد گنه می‌گفت

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۹۰)

باید چنین باشد:

دل به صد حيله می‌گریخت ز عشق
غلغلی می‌شنیدم از دهانش

دیده از خویش صد گنه می‌گفت
دل سخن از درون چه می‌گفت
(رض: ۱۴۱)

نمونه دوم:

رقیب روسیه را کن ز خود دور
بریزد آب خسرو چون نریزد

خوی بلبل نیرزد خوی زاغی
که گل حیف است در چنگ کلاغی
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۸۶۲)

باید چنین باشد:

رقیب روسیه را کن ز خود دور
بریزد آب خسرو چون نریزد

که گل حیف است در چنگ کلاغی
خوی بلبل نیرزد خوی زاغی
(رض: ۶۶۳)

نمونه سوم:

جان می‌رسد هر دم به لب، دانی که باری نیست آن

جان تو، کافزون تر کنم نرخ بلا را هر زمان

چون از تو می‌آید بلا یک جانست، ور باشد دگر

بر ناز دستوری مده چشم دغا را هر زمان

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۶۱۷)

باید چنین باشد:

جان می‌رسد هر دم به لب، دانی که باری نیست آن

بر ناز دستوری مده چشم دغا را هر زمان

چون از تو می‌آید بلا یک جانست، ور باشد دگر

جان تو، کافزون تر کنم نرخ بلا را هر زمان

(رض: ۶۷۹)

۳ اشعار نویافته

در این‌که امیرخسرو دهلوی یکی از بزرگترین شاعران پُر سروده است تردیدی نیست. در چند

نسخه خطی مورد استفاده اشعار فراوانی یافته شد که در هیچ یک از آثار چاپی وی وجود نداشت و همین امر یکی از ضرورت‌های تصحیح دوباره دیوان اوست. چرا که آشکار است در گردآوری دیوان وی همه نسخه بررسی و مطالعه نشده است. در این جا چند نمونه از اشعار زیبای نو یافته او ذکر می‌شود:

بادصبا به سرو روانش کجا رسد	تنگ شکر به کنج دهانش کجا رسد
سرو ار چه در بهار لطافت روان شود	هم در قد چو سرو روانش کجا رسد
عاشق در آرزمندی چو موی میان او	با آن که موی شد به میانش کجا رسد
هر روز اگر چه ماه برون می‌کشد کمان	در ابروی بلند کمانش کجا رسد
خسرو که شد به مدحت تو جادوگر این زمان	هر کس به جادوان امانش کجا رسد

(رض: ۲۸۶، ۴۵۹۳)

ای برده فراقست ز دل خسته قرارم	دریاب که من طاقت هجر تو ندارم
عمری است که بی روی تو ای سرو گل اندام	می‌سوزم و می‌سازم و در ناله‌ی زارم
شاید که ز درد دل من خلیق بسوزد	آهی که به درد از دل افکار برآرم
تا روز قیامت نرود از دل و از جان	داغی که برین سینه ز هجران تو دارم
هرگز نرود یاد تو از سینه‌ی خسرو	گر باد برد گرد جهان هم چو غبارم

(رض: ۴۸۲، ۴۵۹۳)

در زیر به چند مطلع از غزلیاتی که در دیوان امیر خسرو ضبط نشده اشاره شده است:

هزار وعده دهد لعل تو وفا نکند	هزار تیر زند چشم تو خطا نکند
-------------------------------	------------------------------

(رض: ۲۰۰)

روز عیدم گرد کویت گشتن ای جان واجب است	زان که طوف کعبه کردن بر مسلمان واجب است
--	---

(رض: ۱۵۵)

آنان که عقل را به عمل پیشوا کنند

باری در این خرابه عمارت چرا کنند

(ر ض: ۲۷۲)

کسی که دولت و ملت به عمر در یابد

هر آن مراد که در دل بود به بر یابد

(ر ض: ۳۳۱)

کنون که باد صبا مشک بار می‌گذرد

دریغ عمر که بی روی یار می‌گذرد

(ر ض: ۲۰۵)

روز ازل که قسمت ارزاق کرده‌اند

درد و غمت نصیبه عشاق کرده‌اند

(ر ض: ۴۵۹۳)

بی روی دلفروزت عمرم به چه کار آید

با لعل جهان سوزت جان در چه شمار آید

(ر ض: ۲۸۶)

۴) کوتاهی غزل و ابیات افزوده

در بررسی دیوان‌های چاپی امیر خسرو غزل‌های بسیاری دیده می‌شود که براساس نسخه‌های موجود یا تعدادی بیت کم دارد یا تعدادی افزون، گاهی بیت تخلّص نیز حذف شده است و این یکی از مباحث مهم بازبینی دوباره دیوان چاپی است. نکته در خور توجه آن است که آنچه در چاپ‌های موجود دیده می‌شود برابری یکسان تعداد ابیات است. بدین معنا که، تفاوتی بین چاپ‌های تهران و پاکستان (م درویش، نفیسی، محمد روشن و اقبال صلاح‌الدین) دیده نمی‌شود.

غزلی با مطلع:

هر که نگه در تو کرد بیش به بستان نرفت

و آرزوی روی تو از گل و ریحان نرفت

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۵۵)

به شماره غزل ۲۷۴ در دیوان چاپ تهران یازده بیت است حال آن که در نسخه‌های معتبر پژوهش

شده پنج بیت است و یا عکس آن غزلی با مطلع:

و ز نفس اهل درد مایه درمان طلب

ای دل وا مانده، خیز، ره سوی جانان طلب

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۸۷)

در چاپ تهران ۷ بیت دارد در حالی که در نسخ مورد پژوهش ما ۹ بیت دارد.

(۵) خطا در نوشته (تصحیف)

یکی از دلایل بسیار مهم ضرورت بازنگری و تصحیح دوباره دیوان‌های چاپی امیرخسرو، وجود شمار فراوان خطا در کتابت است. در این که همه چاپ‌های موجود در داخل و خارج کشور به چاپ تهران م. درویش نظر داشته‌اند تردیدی نیست چون تقریباً همه یکنواخت و از نظر املائی، همانند چاپ شده است و اگر تفاوتی دیده می‌شود بسیار بسیار محدود است.

چندین نمونه از این‌گونه خطاها با ضبط شکل درست آن ذکر شده، یعنی ابتدا صورت نسخه چاپی و سپس شکل درست آن بر مبنای نسخه‌های موجود آورده شده است.

باز آی و بنشین ساعتی آخر چه کم خواهد شدن
باز آی و بنشین ساعتی آخر چه کم خواهد شدن
گر شاد گردانی دمی یارانِ غم فرموده را
گر شاد گردانی دمی یارانِ غم فرسوده را
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۴) (رض: ۱۱۲)

غم فرسوده در صفحه ۶۸۹ دیوان، صفحه ۵۲۰ نسخه دو بار آمده است.

دل هیچ به شیرینی جان میل نمی‌کرد
دل هیچ به شیرینی جان میل نمی‌کرد
مسکین سر آسایش جلاب دگر داشت
مسکین مگس آرایش جلاب دگر داشت
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۸۸) (رض: ۱۵۳)

صبا گردی از آن زلف دو تا خاست
به هر سو بویی از مُشک ختا خاست

صبا دی کز سر زلف دو تا خاست
به هر سو بویی از مُشک ختا خاست

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۹۸) (رض: ۱۶۴)

صبا گردی از آن (آس: ۱۳۴) دی گرد آن (ق: ۱۰۱)

خسرو گرت خیال پرستش امان دهد
خسرو گرت خیال به پرشش زبان دهد
زنهارش استوار نداری که یارِ اوست
زنهارش استوار نداری که یارِ اوست
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۶۷) (رض: ۱۳۸)

به پرشش امان (امیرخسرو، ۹۰۲: ۸۰) به پرشش زبان (امیر خسرو، ۹۳۲: ۴۶)

نپنداری ز بهرش رنجهای دیده‌ست این دیده
حقش بگذارم، ار یک شب ترا در زیر پا باشد

پنداری ز بهرم رنجهها دیده‌ست این دیده حش بگذارم، ار یک شب ترا در زیر پا باشد

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۲۲۴) (رض: ۲۶۶)

به بیداری ز بهرت (امیرخسرو، ۹۰۲: ۳۵۸)

نوشتار حق گذاردن نادرست است و باید حق بگزارم باشد.

چو سنگ نازنینان گُل بود بر روی مشتاقان من از دیده بریزم هر گلی کان نازنین بخشد

چو سنگ نازنینان گُل بود بر روی مشتاقان من از دیده پذیرم هر گلی کان نازنین بخشد

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۲۴۳) (رض: ۲۶۷)

بدیدم (امیرخسرو، ۹۰۲: ۲۶۶) بریزم (امیرخسرو، ۹۳۲: ۲۳۲)

این بیت یاد آور داستان بر دار کردن منصورحلاج است و آنجا که دیگران وی را سنگ می‌زنند

و شبلی گلی بر منصور می‌افکند (عطار، ۱۳۶۰: ۴۱۱)

خسرو ز رخ خوب و ز می توبه نمی‌کرد ناگاه بدید آن رخ زیبا، نگران شد

خسرو ز رخ خوب دم توبه همی زد ناگاه بدید آن رخ زیبا، نگران شد

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۲۶۱) (رض: ۲۴۸)

دلا گرجان ستد خواهش مکن زانک به تأخیری سخن چندین نگویند

دلا گرجان ستد خواهش مکن باز به ناچیزی سخن چندین نگویند

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۲۶۷) (رض: ۳۶۷)

زلف همچو رَسنت ماه سما را بگرفت من ندانم که درین ماه چها خواهد شد

زلف همچو ذنبت ماه سما را بگرفت من ندانم که درین ماه چها خواهد شد

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۳۵۸) (رض: ۳۳۲)

در بیت دیگر:

ماه من زلف ذنب وش را چه می‌گیری به دست ماه کی گیرد ذنب را چون ذنب می‌خوانیش

زلف همچو ذنبت ماه سما را بگرفت من ندانم که درین ماه چها خواهد شد

(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۵۲۷) (رض: ۴۰۳)

هرگز قد بلندت از وی فرو نماند
هرگز قد بلندت از وی فرو نماند
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۳۸۸) (رض: ۱۷۳)

جایی که پا گرفت خدنگِ سحر خورد
جای بنا گرفته خدنگِ سحر خورد
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۴۰۲) (رض: ۲۱۰)

شحنه‌ای هم از آن سواد دهید
نسخه‌ای هم از آن سواد دهید
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۴۳۹) (رض: ۳۱۶)

کان شکر را به زور نتوان کرد
کان شکر خورد مور نتوان کرد
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۴۵۰) (رض: ۳۶۶)

ای دل، گواه باشی کافرار کردم از سر
ای دل، گواه باشی کافرار کردم از سر
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۴۹۸) (رض: ۳۹۱)

ای دل بگویمت که بخور لیک دیده‌تر
ای دل بگویمت که بخوان لیک دیده‌تر
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۵۰۰) (رض: ۳۸۷)

ز زهد آینه‌ تزویر سازم
ز زهد آینه‌ تزویر سازم
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۵۸۵) (رض: ۴۸۷)

گر به درون پیرهن رشته به جای خود کشم
گر به درون پیرهن رشته به جای خود کشم
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۰۳) (رض: ۴۴۲)

عمر اگر وفا کند هم به کنار در کشم

سرو بلند بالا گر با شما بر آید
سرو بلند بالا گر تا شما بر آید

کشت شبت به دست نیاید، وه ای رقیب
کشت شبش بلاست نباید که ای رقیب

جاودان کز خطش سبق گیرند
جاودان کز خطش سبق جویند

همچنان ساده خوشتر است لب
همچنان ساده خوشتر است لب

رفت آن که بود خسرو نیکو ز شاهد و می
رفت آن که بود خسرو منکر ز شاهد و می

شیرین غمی است عشق ولیکن زمان کجاست
شیرین غمی است عشق ولیکن زیان جانست

ندارم چون به حال صدق تا کی
ندارم چون جمال صدق تا کی

بس که بخفتم از غمت، فرق نباشدم دگر
بس که ضعیفم از غمت، فرق نباشدت که من

عمر من است بار ننگ، هیچ وفا نمی‌کند

- عمر من است یار لیک، هیچ وفا نمی‌کند
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۰۳) (رض: ۴۳۲)
- بنده‌ام از جان و دل فرمان برم
بنده‌ام از جان و دل فرمان برم
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۲۶) (رض: ۵۰۵)
- جان را به می برید عدم فرد کرده‌ایم
جان را به من یزید عدم فرد کرده‌ایم
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۳۳) (رض: ۴۷۲)
- من مانده‌ام و چشمی حیرانِ جمالِ تو
من مانده‌ام و چشمی حیرانِ جمالِ تو
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۷۴۳) (رض: ۵۸۳)
- و در نسخهٔ دیگر عشق آمده است . (امیر خسرو ، ۹۳۲: ۳۷۷)
- بگشاد عشق از دیده خون، نالان شو، ای شخصِ نگون
بگشاد عشق از دیده خون، نالان شو، ای شخصِ نگون
- چشم از تو دور، دانهٔ دل را غمت بسوخت
چشم از تو دور، دانهٔ دل را غمت بسوخت
- برو ای باد و پیش دیگران ده جلوه، بستان را
برو ای باد و پیش دیگران ده جلوه، بستان را
- آمد شرابِ تو کنون، چنگِ کهن را ساز کن
آمد شرابِ نو کنون، چنگِ کهن را ساز کن
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۹۲) (رض: ۵۳۷)
- از سوختن گریز نباشد سپند را
از سوختن گریز نباشد سپند را
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۵۷) (رض: ۱۳۰)
- مرا بگذار تا می بینم آن سوره‌خرامان را
مرا بگذار تا می بینم آن سرو خرامان را
(امیر خسرو، ۱۳۸۷: ۶۰) (رض: ۱۲۸)

نتیجه

اشکال وارد و اساسی بر کتب چاپ شده موجود از دیوان امیرخسرو دهلوی آن است که همه تصحیحات انجام شده شتابزده و سهل‌انگارانه به طبع رسیده‌اند. بی‌تردید آنچه آشکار است، اساس قرار دادن نسخه تهران م. درویش از سوی همه مصححین ایرانی و شبه قاره می‌باشد که آن هم از روی نسخه‌ای مغلوط و مشوش گردآوری شده است. اشکال مهم و منطقی که بر چاپ مشهور اقبال صلاح‌الدین و عابدی در لاهور و سایر چاپ‌های هندی وارد بوده بیشتر این است که استادان و پژوهشگران هندی اهل زبان نبوده و بر رموز و دقایق زبان فارسی تسلط نداشته‌اند و نهایتاً در متن علاوه بر اشتباه کاتبان و ناسخان اشکالات دیگری نیز یافت می‌شود. در این پژوهش بر اساس نسخه‌های خطی معتبر از دیوان امیرخسرو دهلوی نشان داده شد که توجه به دست‌نویس‌های ارزشمند، بهترین روش برای تصحیح خطاهایی است که در ویراست دیوان وی وارد بازار نشر و چاپ شده‌اند و باید یادآور شد به سبب وجود این نسخه‌ها که مصححان گذشته از آنها استفاده نکرده‌اند، ضرورت ارائه تصحیحی انتقادی و نوین از دیوان امیرخسرو بایسته می‌باشد.

منابع

- ۱- اشرفزاده، رضا. فرهنگ بازیافته های ادبی از متون پیشین، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ۱۳۸۶.
- ۲- انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن، ۹ جلد، چاپ دوم، تهران: سخن، ۱۳۸۹.
- ۳- امیرخسرو دهلوی، دیوان، به تصحیح اقبال صلاح‌الدین و تجدید نظر سید وزیر الحسنی عابدی، چاپ دوم، با مقدمه و اشراف محمد روشن، تهران: نگاه، ۱۳۸۰.
- ۴- -----، دیوان، به تصحیح م. درویش، مقدمه از سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: جاویدان، ۱۳۴۳.
- ۵- -----، دیوان، به تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: سنایی، ۱۳۹۱.
- ۶- -----، دیوان، کتابت علی بن سعدالدین شیرازی حافظ، آستان قدس رضوی، ۸۹۷.
- ۷- -----، دیوان، آستان قدس رضوی، ۹۰۲.
- ۸- -----، دیوان، آستان قدس رضوی، ۹۳۲.
- ۹- دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، دیوان، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
- ۱۱- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، دیوان، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار، ۱۳۸۷.
- ۱۲- خواجه کرمانی، دیوان اشعار، چاپ اول، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: پاژنگ، ۱۳۷۴.
- ۱۳- عطارنیشابوری، فریدالدین، تذکره الاولیا، چاپ سوم، به اهتمام دکتر محمد استعلامی، تهران: ۱۳۶۰.
- ۱۴- منشی، ابوالمعالی نصرالله کلپله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، چاپ دهم تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۱۵- یلمه‌ها، احمدرضا، بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی، پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۶۹-۱۳۹، ۱۳۹۰.